

متن پیاده سازی شده

بسم الله الرحمن الرحيم

تحقیق و رای نهایی

مقدمه ششم این بود که اعتقاد فاعل چقدر در شخصیت فعل اثر می گذارد؟ در این که اعتقاد فاعل در ارزش گذاری فاعل اثر دارد، شکی نیست؛ ولی بحث ما در تأثیر اعتقاد و نیت و باور فاعل در شخصیت فعل است.

بیان شد که با دو اندیشه مواجهیم:

1. قائلین به نفی اثر گذاری اعتقاد در شخصیت فعل: قائلین این نظر را بیان کردیم.
2. قائلین به اثبات تأثیر: مرحوم بروجردی و مرحوم خوئی و مرحوم عراقی با یک بیان دیگر.

کلام مرحوم بروجردی بیان شد.

کلام مرحوم خوئی

ایشان می فرمایند: آنچه استاد ما بیان کرد که وجدانا اعتقاد فاعل در شخصیت فعل تأثیر ندارد، درست نیست؛ چون حق این است که وجدان حاکی از خلاف این مطلب است. به نظر ما اعتبار همه ی گزاره ها به وجدان بر می گردد حتی اعتبار قول خدا و حتی اعتبار خود وجدان به وجدان است و دور هم نیست چون استدلال نمی خواهد و یافتن است. عقل فعل خارجی متجری را مصداق تعدی و ظلم و هتک می داند و قابل ملامت و مذمت هم می داند. احکام عقل عملی این که می گویند قبیح است و هر قبیحی حرام است یعنی قابل ملامت است. حسن سه معنا دارد 1. موافق طبع 2. زیبا 3. عقلاء مدح میکنند یا قبیح این است که عقلاء مذمت می کنند. سپس بحث را تشبیه به انقیاد می کنند و می فرمایند: انقیاد و تجری از یک وادی هستند و مقابل هم می باشند؛ لذا هرچی نسبت به انقیاد گوئیم: نسبت به تجری هم می گوئیم، و عقلاء منقاد را ستایش می کنند و انقیاد را که فعل خارجی باشد حسن می شمارند، در تجری هم عقلاء آن را ملامت می کنند.

کلام مرحوم عراقی

ایشان اول همسو با مرحوم نائینی به سمت قول به نفی می روند ولی در نهایت قائل به اثبات تأثیر می شوند؛ به این بیان که اول می فرمایند: باور و یقین که در فعل تأثیر ندارد؛ یقین کاشف واقع است و کاشف واقع اثر ندارد ولی چون باعث می شود که برخی مواقع یک عنوانی بر فعل عارض شود، روی فعل اثر می گذارد و شخصیتش فرق می کند. مثل شرب الماء که با اعتقاد بانه شرب الخمر باعث می شود، این جا نفس اقدام فاعل مصداق طغیان و هتک و ظلم بر مولی است و کل طغیان و ظلم و هتک قبیح است؛ پس فعل قبیح عقلا می باشد. البته ایشان قائل به حرمت نمی شوند.

سپس می فرمایند: اگر دقت کنید در خود معصیت و اعتقاد مطابق واقع هم آنچه قبیح است همین طغیان است.

بعبارت دیگر ما یک کلی بنام قبح عقلی طغیان بر مولی داریم که ممکن است مصداقش تجری باشد یا مصداقش معصیت باشد.

نقد اندیشه اثبات توسط مرحوم امام

ایشان در تهذیب الاصول می فرمایند: حق همان اندیشه نفی است؛ ایشان می فرمایند: اگر بگوئید فعل خارجی بعنوانه الذاتی قبیح است که این خلاف فرض است و واضح الفساد است. چون در مثال، فعل خارجی بعنوانه الواقعی شرب الماء است. و اگر بگوئید: فعل خارجی بعنوانه العارضی قبیح است، به نظر من بر فعل خارجی عنوان هتک و ظلم هم صادق است. البته ایشان ظلم بر مولی را قبول ندارند و اگر هم این جا می فرمایند بخاطر موافقت با قوم است. ولی قبول ندارم که مصداق تجری هم

باشد چون تجری با فعل خارجی مصداقا متحد نیست؛ (البته علت این فرمایششان را بیان نمی کنند).
در ادامه می فرمایند: بلکه ممکن است کسی به ما بگوید: درست است فعل خارجی مصداق تجری نیست، ولی فعل خارجی حکایت از یک سوء سریره در نفس و خباثت می کند و این باعث می شود فعل خارجی مصداق قبح و حرمت بشود. ایشان می فرماید: من قبول دارم که بگوئید فعل خارجی مجمع حکمین و مجمع دو حیثیت است و از یک حیثیت حسن و از یک حیثیت قبیح می باشد؛ چون اجتماع امر و نهی جائز است. در قانونگذاری فعل خارجی واجب یا حرام نیست؛ بلکه عنوان، واجب یا حرام است؛ لذا فعل خارجی مسقط واجب است نه خود واجب. عنوان صلاه واجب و عنوان غصب حرام است و این دو عنوان با دو حیثیت متفاوت بر یک فعل خارجی حمل شده است.

الحمد لله رب العالمین